



دانشگاه گیلان

پردیس بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد

## آثار انحلال قرارداد در حقوق اشخاص ثالث

استاد راهنما :

دکتر اکبر ایمان پور

نگارنده :

علی فاریابی دوست

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه گیلان

پردیس بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد

## آثار انحلال قرارداد در حقوق اشخاص ثالث

استاد راهنما :

دکتر اکبر ایمان پور

استاد مشاور :

دکتر محمد اسدی نژاد

نگارنده :

علی فاریابی دوست

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که کشتار زندگی ام سرشار از محبت آنهاست و همچنین به همسر مهربانم به پاس زحمات بی دریغش.

و تقدیم به استاد بزرگوارم دکتر اکبر ایمان پور که با لطف و مهربانی اش چراغ راه دانش بوده.

سپاسگزاری:

باسپاس فراوان از اساتید محترم جناب آقای دکتر اکبر ایمان پور و دکتر سید محمد اسدی نژاد که تحقیق

پیش رو حاصل تلاش های مستمر و بذل عنایت بی دریغ این اساتید ارجمند است که ما را مرهون

مجتبهای خویش کرده اند.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>فصل اول: کلیات ، مفاهیم و مبانی</b>	<b>۴</b>
۱-۱- مفهوم عقد یا قرارداد	۵
۲-۱- مفهوم انحلال و مصادیق آن	۶
۱-۲-۱- مفهوم انحلال	۶
۲-۲-۱- مصادیق انحلال	۸
۱-۲-۲-۱- فسخ	۹
۲-۲-۲-۱- انفساخ	۹
۱-۲-۲-۲-۱- انفساخ ناشی از تراضی	۱۰
۲-۲-۲-۲-۱- انفساخ ناشی از قانون	۱۱
۱-۲-۲-۲-۲-۱- تلف مال مورد انتقال	۱۱
۲-۲-۲-۲-۲-۱- مرگ و حجر یکی از طرفین در عقود جایز	۱۱
۳-۲-۲-۲-۲-۱- لعان و کفر	۱۲
۳-۲-۲-۱- تفاسخ (اقاله)	۱۳
۳-۱- مفهوم شخص ثالث	۱۶
۱-۳-۱- قانون مدنی	۱۷
۲-۳-۱- قانون بیمه اجباری	۱۷
۳-۳-۱- قانون تجارت	۱۸
۴-۱- تمایز بین نهاد « تعهد به نفع اشخاص ثالث » با برخی نهاد مشابه	۱۸

- ۱-۴-۱ - « تعهد به نفع اشخاص ثالث » و ضمان ..... ۱۹
- ۱-۴-۲ - « تعهد به نفع اشخاص ثالث » و قرارداد برای دیگری ..... ۲۱
- ۵-۱ - مبانی نظری اصل نسبی بودن قراردادها ..... ۲۲
- ۱-۵-۱ - اصل عدم ولایت ..... ۲۳
- ۲-۵-۱ - اصل حاکمیت اراده ..... ۲۴
۲. فصل دوم: ماهیت حقوقی تعهد به نفع اشخاص ثالث ، مصادیق، آثار و کیفیت تأثیر آن ..... ۲۶
- ۱-۲ - ماهیت حقوقی تعهد به نفع اشخاص ثالث ..... ۲۷
- ۱-۱-۲ - نظریه پیشنهاد یا دو قرارداد ..... ۲۸
- ۲-۱-۲ - نظریه اداره مال غیر یا اداره فضولی ..... ۲۹
- ۳-۱-۲ - نظریه اعلام یکطرفه اراده یا تعهد یکطرفه ..... ۳۱
- ۴-۱-۲ - نظریه تعهد مستقیم ناشی از قرارداد (جعل حق یا ایجاد استثنائی حق به سود ثالث) ..... ۳۲
- ۲-۲ - مصادیق تعهد جهت اشخاص ثالث و در حقوق ایران ..... ۳۴
- ۱-۲-۲ - تعهد به نفع شخص ثالث ..... ۳۵
- ۱-۱-۲-۲ - مصادیق تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق ایران ..... ۳۶
- ۱-۱-۱-۲-۲ - قانون مدنی ..... ۳۶
- ۲-۱-۱-۲-۲ - معاملات فضولی ..... ۳۶
- ۳-۱-۱-۲-۲ - وصیت ..... ۴۰
- ۴-۱-۱-۲-۲ - سایر قوانین ..... ۴۰
- ۱-۴-۱-۱-۲-۲ - قرارداد جمعی ..... ۴۰
- ۲-۴-۱-۱-۲-۲ - قرارداد ارفاقی ..... ۴۱

- ۴۲ ..... قرارداد بیمه ..... ۳-۴-۱-۱-۲-۲
- ۴۵ ..... قراردادهای موجد حق عینی ..... ۴-۴-۱-۱-۲-۲
- ۴۶ ..... ۲-۲-۲ - تعهد به فعل (ضرر) ثالث ..... ۲-۲-۲
- ۴۷ ..... ۱-۲-۲-۲ - مفهوم حقوقی تعهد به فعل (ضرر) ثالث ..... ۱-۲-۲-۲
- ۵۰ ..... ۲-۲-۲-۲ - مفهوم فقهی تعهد به فعل (ضرر) ثالث ..... ۲-۲-۲-۲
- ۵۱ ..... ۳-۲ - قالب های قانونی ایجاد تعهد به نفع اشخاص ثالث و آثار آن ..... ۳-۲
- ۵۲ ..... ۱-۳-۲ - قالب های قانونی ایجاد تعهد به نفع اشخاص ثالث ..... ۱-۳-۲
- ۵۲ ..... ۱-۱-۳-۲ - تعهد به نفع شخص ثالث به صورت عقد مستقل (تعهد اصلی) ..... ۱-۱-۳-۲
- ۵۳ ..... ۲-۱-۳-۲ - تعهد به نفع شخص ثالث به صورت شرط ضمن عقد (تعهد تبعی) ..... ۲-۱-۳-۲
- ۵۳ ..... ۲-۳-۲ - آثار قانونی تعهد به نفع اشخاص ثالث ..... ۲-۳-۲
- ۵۴ ..... ۱-۲-۳-۲ - آثار حقوقی « تعهد به نفع شخص ثالث » در روابط بین طرفین ..... ۱-۲-۳-۲
- ۵۵ ..... ۲-۲-۳-۲ - آثار حقوقی « تعهد به نفع شخص ثالث » بین متعهد و شخص ثالث ..... ۲-۲-۳-۲
- ۵۵ ..... ۳-۲-۳-۲ - آثار حقوقی « تعهد به نفع شخص ثالث » مشروط له و منتفع ..... ۳-۲-۳-۲
- ۵۶ ..... ۳-۳-۲ - کیفیت تأثیر قرارداد بر اشخاص ثالث ..... ۳-۳-۲
- ۵۶ ..... ۱-۳-۳-۲ - سلب یا تحدید قرارداد ..... ۱-۳-۳-۲
- ۵۸ ..... ۲-۳-۳-۲ - تملیک رایگان مال به دیگری ..... ۲-۳-۳-۲
- ۵۸ ..... ۳-۳-۳-۲ - انتقال موقعیت قراردادی ..... ۳-۳-۳-۲
- ۶۰ ..... ۳. فصل سوم: وضعیت حقوقی اشخاص ثالث پس از انحلال قرارداد ..... ۳
- ۶۱ ..... ۱-۳ - قراردادهای منعقد شده با شخص ثالث پس از وقوع معامله طرفین ..... ۱-۳
- ۶۱ ..... ۱-۱-۳ - قرارداد اجاره ..... ۱-۱-۳



- ۳-۱-۱-۱-۱- توجیه عدم بطلان اجاره در فرض تحقق فسخ ..... ۶۲
- ۳-۱-۱-۲- وضعیت اجاره بها و رابطه حقوقی طرفین ..... ۶۲
- ۳-۱-۲-۱- نظریه شیخ انصاری (نظر مشهور فقها) ..... ۶۲
- ۳-۱-۲-۲- نظر علامه حلی ..... ۶۳
- ۳-۱-۲-۳- نظریه محقق کمپانی ..... ۶۴
- ۳-۱-۳- بطلان عقد اجاره در فرض اشتراط ..... ۶۵
- ۳-۱-۲- قرارداد رهن ..... ۶۸
- ۳-۲- وضعیت صلح التزامی به سود ثالث ..... ۷۰
- ۳-۳- انحلال قهری و ارادی قراردادها و تکلیف حقوق اشخاص ثالث ..... ۷۴
- ۳-۳-۱- بطلان قرارداد اصلی ..... ۷۴
- ۳-۳-۲- اقاله قرارداد اصلی ..... ۷۷
- ۳-۳-۳- فسخ قرارداد ..... ۷۸
- ۳-۳-۴- انفساخ قرارداد ..... ۸۰
- نتیجه گیری ..... ۸۲

## چکیده:

گاه تعهداتی به نفع ثالث در قراردادهای ایجاد شود و یا پس از انعقاد قرارداد اصلی، خریدار با شخص ثالثی، نسبت به مبیع، قرارداد دیگری منعقد می‌کند، اما معامله اصلی به هر دلیل منحل می‌گردد. بحثی که در این مجال به آن می‌پردازیم، بررسی این موضوع است که در جایی که پس از انعقاد معامله‌ای بین متعاملین، حقوقی برای اشخاص ثالث بوجود آید (مثلاً ضمن قرارداد، تعهدی به نفع ثالث شده باشد یا پس از قرارداد اصلی، قرارداد دیگری با او منعقد شده باشد)، اگر معامله اصلی به هر دلیل منحل گردد، تکلیف حقوق به وجود آمده برای اشخاص ثالث چیست؟

برای بررسی تأثیر انحلال قرارداد در حقوق اشخاص ثالث، در سه فصل به موضوع پرداخته شده است. فصل اول به مفاهیم و کلیات و مبانی موجود می‌پردازد و مفاهیم و تعاریف قابل‌ارایه در موضوع، از قبیل تعریف عقد و قرارداد و تعریف انحلال و اقسام انحلال قراردادهای و تعریف اشخاص ثالث و تمایز بین نهاد «تعهد به نفع اشخاص ثالث» با برخی نهادهای مشابه بررسی و در آخر به بررسی مبانی نظری اصل نسبی بودن قراردادهای پرداخته شد.

در فصل دوم تحت عنوان ماهیت حقوقی تعهد به نفع اشخاص ثالث، مصادیق، آثار و کیفیت تأثیر آن که موضوعاتی از قبیل ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث و مصادیق تعهد جهت اشخاص ثالث در حقوق ایران و النهایه به قالب‌های قانونی ایجاد تعهد به نفع اشخاص ثالث و آثار آن پرداخته شد.

در فصل نهمی نیز به قراردادهای منعقد شده با شخص ثالث پس از وقوع معامله اصلی، از قبیل اجاره و رهن اختصاص دارد.

**کلمات کلیدی:** انحلال قرارداد، تعهد به نفع ثالث، نسبی بودن قرارداد، انفساخ، اقاله

**Abstract :**

Sometimes , mandates are created in the gain of the third part in contracts and or after creating the main contract , the buyer concludes another contract with a third person , relative to the commodity , but the main transaction will be canceled because of every reason . The discussion that we pay to it ,is the investigation of this topic that in a condition that after concluding of a transaction among transactors , a right will be created for the third people ( for example beside contract , a mandate be created for the third part or after the main contract , another contract be concluded with him/her ) , if the main contract be canceled because of every reason , what is the task of the created right for the third people ?

For the investigation of the effect of the canceling of the contract in the rights of the third people , the topic has been paid in three chapters . The first chapter pays to the available concepts and generals and the deliverable concepts and definitions in the topic , like the definition and types of the canceling of contracts and the definition of the third people , have been investigated .

In the second chapter under the topic of the possibility and the quality of forming of the rights of the third people after contract , the theoretical basis of the maxim of relativity of the contracts and the cases of forming of the rights of the third people after a contract and the quality of the effect of contract on the third people will be investigation .

In the finally chapter , it is also allocated to the concluded contracts the third person after the occurring of the main transaction , like renting and mortgage .

Key words : canceling of contract , mandate in the gain of the third part , relativity of contract ,canceling , break up.

## مقدمه :

اصل شخصی بودن قراردادهای<sup>1</sup> یکی از اصول حاکم بر عقود است که در حقوق ما و حقوق اروپا پذیرفته شده است. منظور از این اصل آن است که در قراردادی که میان اشخاص منعقد می‌شود، فقط طرفین قرارداد از آن عقد منتفع می‌گردند و کسانی که خارج از عقد می‌باشند و طرفین عقد نیستند، نفع و یا زیانی از عقد نخواهد داشت. توسعه روابط اقتصادی و بوجود آمدن احتیاجات جدید زیست اجتماعی، مثل موضوع بیمه، موجب آن شده که استثنائات زیادی بر این اصل وارد آید و تعهداتی به نفع ثالث در قراردادها ایجاد شود. از سوی دیگر، گاه معامله ای بین دو نفر برقرار می‌شود و پس از آن خریدار با شخص ثالثی، نسبت به مبیع، قرارداد دیگری منعقد می‌کند. بحثی که در این مجال به آن می‌پردازیم، بررسی این موضوع است که در جایی که پس از انعقاد معامله ای بین متعاملین، حقوقی برای اشخاص ثالث بوجود آید (مثلا ضمن قرارداد، تعهدی به نفع ثالث شده باشد یا پس از قرارداد اصلی، قرارداد دیگری با او منعقد شده باشد)، اگر معامله اصلی به هر دلیل منحل گردد، تکلیف حقوق به وجود آمده برای اشخاص ثالث چیست؟

مسائل موجود در حقوق قراردادهای، به شدت در حال تغییر و تحول است. زیرمجموعه گسترده این مباحث، زمینه مناسبی برای تحقیقات حقوقی محسوب می‌گردد، بویژه آن که پاره‌ای از مسائل مندرج در این عنوان، که دارای مصادیق خارجی و مبتلابه نیز می‌باشند، تاکنون در منابع حقوقی و حتی فقهی، در سطح بسیار محدود بررسی گردیده‌اند. تأثیر انحلال قرارداد در حقوق اشخاص ثالث، یکی از این موارد است که از مسائل حساس و کاربردی فقهی و حقوقی است و نظام حقوقی ایران و متون فقهی مطالعه شده، پاسخ روشن و کافی برای آن ندارند، و لذا مآخذ و کتابهای مستند برای بررسی مستقیم نظریات مربوط به آن اندک است. به همین جهت در این مجال، تلاش می‌شود تا این مساله، طرح و بررسی گردد و با تحلیل مبانی موجود و بررسی حقوق داخلی و خارجی، در نهایت به پاسخی درخور و کاربردی دست یازیم. هدف این است که با توجه به متون فقهی و نظریات حقوقدانان و رویه‌های موجود، گامی هر چند کوچک برداشته شود. عرف و منطق حکم می‌کند که حقوق مکتسبه اشخاص ثالث، حتی‌الامکان محترم شمرده شود و نظام‌های حقوقی بر این امر صحه نهاده‌اند. لذا با توجه به اهمیت این موضوع و گسترش ابتلای جامعه به آن، بررسی تمام ابعاد و جوانب آن برای تدوین

---

<sup>1</sup> - Privacy of Contracts

قوانینی بدون نقص و منسجم ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان امید داشت که به مفهوم واقعی عدالت نزدیکتر گردیده‌ایم.

پرسش اصلی این تحقیق این است که هرگاه قراردادی منحل گردد چه تأثیری بر حقوق بوجود آمده بر اشخاص ثالث خواهد داشت؟

در زیر مجموعه این پرسش اصلی، باید به پرسشهای فرعی دیگری نیز پاسخ گفت که برخی از آنها از این قرارند:

۱- آیا راهکاری برای حفظ حقوق ثالث، در قوانین مدون ما، وجود دارد؟

۲- آیا نوع انحلال قرارداد(ارادی یا قهری) در این موضوع تأثیر گذار است؟

حفظ حقوق اشخاص ثالث، حتی المقدر لازم است، چرا که اگر حقی برای کسی بوجود آید، بدون رضایت او نمی‌توان آن را پایمال نمود. بنابراین انحلال قرارداد، اصولاً نمی‌تواند خللی به حقوق بوجود آمده برای اشخاص ثالث پدید آورد. با بررسی مواد قانونی می‌توان این نظر را به قانونگذار نیز نسبت داد.

روش تحقیق کتابخانه‌ای است که در آن از منابع فارسی و عربی و لاتین موجود در کتابخانه‌های داخلی و خارجی استفاده شده است. البته توصیف، تحلیل و منابع موجود در مقالات نیز بخش مهمی را به خود اختصاص خواهد داد.

در این تحقیق، نخست به مقدمه و مباحث مطرح در آن از جمله تبیین موضوع، ضرورت انجام پژوهش، بیان سؤالات، فرضیه‌ها، کاربرد تحقیق، پیشینه و در نهایت ساختار تحقیق پرداخته ایم.

برای بررسی تأثیر انحلال قرارداد در حقوق اشخاص ثالث، می‌توان به طور کلی، بحث را به سه فصل کاملاً مرتبط با یکدیگر تفکیک کرد. فصل اول به مفاهیم و کلیات موجود می‌پردازد. در این بخش طی سه مبحث مفاهیم و تعاریف قابل ارایه در موضوع، از قبیل تعریف و اقسام انحلال قراردادها و تعریف اشخاص ثالث، بررسی می‌گردد.

در فصل دوم، برای بررسی موضوع، در مباحثی تحت عنوان امکان و کیفیت شکل‌گیری حقوق اشخاص ثالث پس از قرارداد، به طور کلی، فصل به سه مبحث مرتبط با یکدیگر تقسیم شده است. در مبحث اول، به مبانی نظری اصل نسبی بودن قراردادها می‌پردازیم، در مبحث دوم به موارد شکل‌گیری حقوق اشخاص ثالث پس از یک قرارداد اشاره خواهد شد و در مبحث سوم هم کیفیت تأثیر قرارداد بر اشخاص ثالث بررسی می‌گردد.

فصل سوم در دو مبحث، به تاثیر انحلال قرارداد بر حقوق اشخاص ثالث در حالت‌های مختلف می‌پردازد. مبحث اول آن، به قراردادهای منعقد شده با شخص ثالث پس از وقوع معامله طرفین، از قبیل اجاره و رهن اختصاص دارد و موادی از قبیل ماده ۴۵۴ قانون مدنی در مورد اجاره مبیع و ماده ۴۵۵ در مورد رهن مبیع مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از آن نیز در مبحث دوم، به تأثیر نوع انحلال بر حقوق اشخاص ثالث اشاره شده است. در پایان به جمع بندی و ارائه نراهکارها و پیشنهاداتی در این باره پرداخته شده است.

۱. فصل اول:

کلیات ، مفاهیم و مبانی

قبل از شروع بحث اصلی، لازم است در بخشی مستقل، با عنوان کلیات به بررسی برخی مفاهیم و اصطلاحات پرکاربرد در این پایان نامه و برخی مواردی کلی که به نحوی به موضوع مرتبط می باشند و به تبیین اصل بحث کمک می نمایند، پرداخته شود. این عمل علاوه بر زمینه بودن برای طرح مطلب اصلی، به فهم هرچه بیشتر ابعاد و جوانب موضوع نیز کمک شایانی می نماید.

## ۱-۱- مفهوم عقد یا قرارداد

در این مبحث، مفهوم عقد یا قرارداد و برخی واژه های مشابه و مرتبط با این واژه ها مانند فسخ، تفاسخ و اقاله قرارداد مورد بررسی قرار می گیرند.

بطور کلی و بدون ورود در مباحث دقیق و جزئی نظری باید «عقد» و «قرارداد» را دو واژه مترادف تلقی کنیم. (کشاورز، ۱۳۹۰: ۶۳) یکی از اسباب ایجاد تعهد عقد است، که فقها و حقوقدانان گاهی به تفصیل و زمانی به مناسبت از آن بحث کرده اند. این کلمه در زبانهای فارسی و عربی (لسان العرب، ذیل واژه عقد) علاوه بر سایر معانی در معنی لغوی «بستن» و «گره زدن» مشترک است و همین معنی یعنی پیوند یا گره خوردن اراده ها منظور نظر تحقیق حاضر نیز هست.

در تعریف اصطلاحی عقد، تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ برخی فقها عقد را مرکب از ایجاب و قبول می دانند، (انصاری، ۱۳۷۴: ۲۴۰ و حلی، ۱۳۷۰: ۲۴۱) سایر فقها نیز تعریفی قریب به همین مضمون دارند، سپس همین ایجاب و قبول در محل و شیوه به کارگیری، موجود بیع (عقد بیع)، اجاره (عقد اجاره)، وکالت (عقد وکالت) و... خواهد شد. یعنی نفس عقد صرفا همان ترکیب ذات ایجاب و قبول است و منطوق همسوی ایجاب و قبول بیانگر عنوان خاص عقد است.

برای دستیابی به تعریف حقوقی عقد باید از ماده ۱۸۳ قانون مدنی شروع کرد، که تعریف مورد نظر را چنین بیان می کند: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.» این تعریف قانونگذار که برداشت از تعاریف فقها است از جهات مختلفی مورد ایراد حقوقدانان واقع شده است؛ از جمله این که این تعریف فقط تعریف از عقد عهده ای است و شامل عقد تملیکی که به وسیله آن مالی از مالکیت کسی خارج و در مالکیت دیگری داخل می گردد نمی شود؛ چه در این گونه عقود به نفس عقد، انتقال ملکیت حاصل می گردد و تعهدی مستقیما ایجاد نمی شود و تعهدی که در عقود تملیکی به وجود می آید فرعی



می‌باشد، مانند تعهد به تسلیم مبیع و ثمن ناشی از بیع». (امامی، ۱۳۳۳: ۱۶۰) دومین ایراد وارد بر تعریف فقها این است که، ممکن است طرفین عقد همیشه یک یا چند نفر نباشند، بلکه اشخاص حقوقی مستقلا و یا مشترکا با اشخاص حقیقی طرف عقد واقع شوند و به این دلیل گفته‌اند، عقد عبارتست از توافق اراده دو طرف به منظور ایجاد رابطه حقوقی (شهیدی، ۱۳۷۳ و کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۱)، تا لفظ طرف، مانع از اختصاص به اشخاص حقیقی یا حقوقی شود. تعریف دیگری که به نظر کامل‌ترین است اینگونه ارائه شده است: «عقد عبارت است از توافق دو انشای متقابل که به منظور ایجاد یک امر حقوقی انجام می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۶)

## ۱-۲- مفهوم انحلال و مصادیق آن

### ۱-۲-۱- مفهوم انحلال

انحلال از مصدر باب انفعال از فعل «حلّ» می‌باشد و در لغت به معنای «رفع العقد و الحرمة» و «رفع الممنوعیه» عنوان شده است. (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۲۹۴) برخی از لغویین انحلال را به معنای جداسدن، باز شدن، گشوده شدن گره و متلاشی شدن آورده‌اند. (دهخدا، ۱۳۲۵: ذیل واژه انحلال، صفی پور، بی تا: ۲۷۱، الرازی، ۱۴۲۱ ق: ۷۳) انحلال همچنین در معانی نقض کردن و تفکیک کردن نیز آمده است. (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۱۶۹، الحسینی الزبیدی، بی تا: ۳۳۱)

در اصطلاح فقه اسلامی و حقوق موضوعه، انحلال به دو معنای تقریباً متمایز بیان شده است:

گاه انحلال به معنای تجزیه، در مورد عقد‌های مرکب محقق می‌شود؛ عقد مرکب عقدی است که مبیع در آن از واحدهای متعددی تشکیل شده باشد، مانند این که در عقد بیع، ۲۰ جلد کتاب یا ۱۰ متر پارچه با هم مبیع تلقی شوند. در این نوع از عقود، هرگاه عقد به امر مرکبی تعلق گیرد که هر یک از اجزاء آن صلاحیت دارد متعلق عقد قرار گیرد، در این صورت عقد مزبور ولو به حسب ظاهر دارای یک انشاء بیشتر نیست، ولی در حقیقت به منزله عقدهای متعددی است که هر یک به جزئی از اجزاء متعلق عقد تعلق گرفته است. (گرجی، ۱۳۷۰: ۵۲) اگر عقد نسبت به یکی از اجزا باطل شود، عقد تجزیه می‌گردد و نسبت به بقیه اجزا صحیح است. این مطلب در مواد ۳۵۶ و ۴۴۱ قانون مدنی نیز مورد اشعار قرار گرفته است. مراد از این تجزیه، انحلال عقد واحد به عقود متعدد است، به نحوی که عقد بر مبیع مرکبی که دارای اجزاء متعدد است واقع شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۳۷) مسئله

انحلال عقد به عقود متعدد، به عقد بیع اختصاص ندارد، بلکه در عقودی مانند اجاره، عاریه، وکالت، صلح، مزارعه، مضاربه و ... نیز جاری است. (گرگی، ۱۳۷۰: ۵۳).

گاهی نیز انحلال به معنی گسیختن به کار می رود. هنگامی که عقد به طور صحیح واقع شود، اگر پس از انعقاد با رضایت طرفین یا به اراده یکی از آن ها، یا بدون دخالت اراده و با تحقق شرایطی، عقد از هم گسیخته شود، بدین معنی که آثار آن پایان پذیرد، انحلال عقد رخ می دهد.

از این دو معنا، آن چه مورد بحث ما است، انحلال به معنای دوم است. کلمه انحلال در قانون مدنی نیز تنها یک بار در ماده ۱۱۲۰ و به معنای دوم استعمال شده است. اما انحلال به معنای تجزیه عقد واحد به عقود متعدد، در کتاب های قواعد فقه، به عنوان یک قاعده فقهی مطرح شده است.

در یک تقسیم بندی کلی انحلال قراردادها را به معنای دوم را به اعتبار سهمی که اراده دو طرف در آن دارد، به سه بخش تقسیم می کنند:

الف) انحلال قرارداد با اراده یکی از طرفین عقد که از آن به عنوان فسخ یاد می شود (انحلال ارادی) و چون در تحقق آن اراده انشائی یکی از طرفین دخیل است در زمره ایقاعات محسوب می شود.

ب) انحلال قهری قرارداد که بدون اراده طرفین و به طور خود به خود صورت می گیرد و در اصطلاح حقوق آن را انفساخ می نامند. مانند انفساخ عقد وکالت به موت یکی از طرفین (ماده ۹۵۴ ق.م).

ج) انحلال قرارداد با تراضی و توافق طرفین عقد، که آن را اقاله می نامند و در بند دو ماده ۲۶۴ ق.م در زمره اسباب سقوط تعهدات برشمرده شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳). در مبحث بعدی، این موارد به طور مفصل تر مورد بررسی قرار می گیرند.

در بیان تفاوت بطلان با انحلال باید گفت: بطلان در لغت مصدر از ماده بطل است و باطل نقیض حق است، یعنی چیزی که ثباتی ندارد. (راغب اصفهانی، بی تا: ۹۷) بطلان در کلمات فقها، حکم شرعی وضعی در مقابل صحت است و در موردی اطلاق می شود که مطابق با شرایط و خصوصیات معتبر از ناحیه شارع نباشد. چنین عملی مانند معدوم است و غالباً اثری بر آن مترتب نمی شود. (علم الهدی، ۱۳۶۳: ۲۶۴) در اصطلاح حقوق، هر عقد که واجد شرایط ماهوی یا تشریفاتی مقرر نباشد باطل است، در نتیجه آثاری بر آن عقد مترتب نخواهد بود. هر گاه در انجام عقدی، یک قاعده قانونی رعایت نشود، ضمانت اجرای این تخلف بطلان و عدم تأثیر آن عقد است. انحلال قرارداد را با بطلان آن نباید مخلوط نمود. در واقع عقد باطل صورتی بی معنا است که از آغاز نفوذ و اعتباری ندارد و حکم

دادگاه این حقیقت را مشخص می نماید. ولی در انحلال قرارداد، سببی عقد موجود را بر هم می زند و حکم دادگاه، اگر نیازی به وجود آن احساس شود، ناظر به حدوث همین سبب است. درست است که انحلال نیز مانند بطلان موجب امحاء اوضاع حقوقی حاصله از عقد میشود، اما اختلاف مهمی بین علل آنها برای از بین بردن عقد وجود دارد. عقد منحل از اصل معتبر است. برای اینکه چنین عقدی منحل شود، لازم است سببی پس از انعقاد عقد بوجود آید. بنابراین در هر انحلال، دو مرحله ممتاز وجود دارد؛ مرحله اول از آغاز تراضی تا زمان وقوع سبب انحلال، که قراردادی نافذ بر رابطه دوطرف حکومت دارد. مرحله دوم، از لحظه تحقق سبب انحلال، که باعث گسیختن پیمان می شود و عقد را در حکم باطل می کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲)

بطلان عقد، نتیجه فساد در ارکان عقد و برخورد مفاد آن با مصالح اجتماعی است؛ و لو اینکه بطلان عقد مدت‌ها بعد از انعقاد ظاهری آن اعلام شود. بطلان عقد می تواند به دلایل متعددی صورت گیرد و عمده موارد بطلان عقد به این شرح است: ۱- برخی از شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی مثل عدم قصد انشاء، اگر در عقدی طرفین قصد انشاء نداشته باشد آن عقد باطل است. ۲- شروط ضمن عقدی که در قانون مدنی در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ به آنها اشاره شده است. فسادی که در ارکان عقد، باعث بطلان آن می شود قابل جبران نیست و دو طرف نمی توانند به تراضی آن را اصلاح نمایند، مگر این که با تراضی که صورت می گیرد عقد جدیدی به وجود آورند.

### ۱-۲-۲- مصادیق انحلال

انحلال قرارداد ممکن است به تراضی باشد، و یا با یک اراده، و در مواقعی به حکم قانون، آثار انحلال در هر یک از صور یاد شده ناظر به آینده است و به گذشته سرایت نمی کند. چنانکه ماده ۲۸۷ قانون مدنی بیان می دارد: «نمات و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می شود مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است ولی نمات متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک می شود و در ادامه ماده ۴۵۹ قانون مدنی در فرضی که با بیع شرطی به شرایط فسخ عمل می نماید و مبیع را از خریدار استرداد می کند، اعلام می دارد: «... از حین فسخ مبیع مال با بیع خواهد شد، ولی نمات و منافع حاصله از حین عقد تا حین فسخ مال مشتری است و سرانجام درباره آثار تلف مبیع پیش از تسلیم به خریدار، حقوقدانان اتفاق نظر دارند که بیع نسبت به آینده منفسخ می شود و مبیع در فاصله میان عقد و تلف از آن خریدار است. (امامی، ۱۳۷۱: ۴۶۲). در ذیل به اختصار اقسام و مصادیق انحلال که شامل: فسخ، انفساخ و تفاسخ می باشد، بیان می گردد.

## ۱-۲-۲-۱ - فسخ

فسخ در لغت به معنای باز کردن و شکستن می باشد. (طریحی، ۱۳۶۷: ذیل واژه فسخ) در شرع فسخ به معنای رفع عقد به همان وصف و کیفیتی که محقق شده، بدون زیاده و نقصان آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ۲۰۲) با توجه به موارد یاد شده می توان گفت که فسخ با عنایت به ماهیت فقهی و حقوقی آن، بسیار به معنای لغوی نزدیک است. فسخ، یک عمل حقوقی است که مانند سایر اعمال حقوقی به قصد انشاء نیازمند می باشد و امر انشائی، همانند دیگر امور واقعی، از زمان وجود دارای اثر می باشند. آن چه فسخ را از تفاسخ (اقاله) جدا می کند، این است که در تحقق فسخ، اراده یک طرف کفایت می کند و اراده طرفین لازم نیست، بنابراین می توان فسخ را در شمار ایقاعات آورد؛ (طباطبائی یزدی، بی تا: ۱۵۳ و کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳) اما برای تحقق اقاله، اراده طرفین لازم می باشد. هرچند قانون مدنی تعریفی از فسخ ارائه نکرده است، اما حقوقدانان با توجه به مواد قانونی، آن را اینگونه تعریف نموده اند: «فسخ عبارت است از پایان دادن به هستی حقوقی قرارداد، به وسیله یکی از دو طرف یا شخص ثالث.» (شهیدی، ۱۳۶۸: ۱۱۹)

## ۱-۲-۲-۱ - انفساخ

انفساخ مصدر باب «انفعال» از ریشه «فسخ» و به معنای شکسته شدن، برانداختن، تباه شده و متلاشی شده است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴: ۴۸۳) پس از آن که قراردادی به طور صحیح منعقد گردید، ممکن است به دلایلی منحل گردد. یکی از این دلایل، انحلال قرارداد به صورت قهری و بدون دخالت اراده‌ی طرفین می باشد که در اصطلاح فقه و حقوق به آن انفساخ می گویند. بنابراین انفساخ به این معنا است که رابطه‌ی ناشی از قرارداد بدون قصد و اراده‌ی طرفین معامله و به موجب حکم قانون از بین برود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۹۱) مثلاً اگر در عقد بیع، مبیع پیش از تسلیم از بین برود، عقد بیع منفسخ می شود. ماده ۳۸۷ قانونی مدنی در انفساخ ناشی از قانون، چنین مقرر می دارد: «اگر مبیع پیش از تسلیم، بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع، تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد؛ مگر این که بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت، تلف از مال مشتری خواهد بود.»